یادداشت

عباس حاجی نجاری

واقعیات جامعه امریکا و خلع سلاح یانکی‌های وطنی

پس از گسترش بیماری کرونا در غرب واذعان اندیشمندان و سیاستمداران غربی به معرفی آن به عنوان نماد فروپاشی غرب وافول امریکا، آشوب‌ها و اعتراضات اخیر امریکا که ناشی از نادیده گرفتن ابتدایی‌ترین حقوق انسانی توسط سردمداران کاخ سفید، نسبت به مردم این کشور است، نیز به عنوان پدیده‌ای ظاهر شد که انگاره‌های جهانی نسبت به هیمنه پوشالی کاخ سفید را بیشتر فرو ریخته و سبب شد که حتی متحدان تاریخی امریکا در اروپا نیز نتوانند نسبت به بی عدالتی سران امریکا علیه مردم این کشور سکوت کرده و لب به اعتراض نگشایند.

اما مهم ترین تأثیر این تحولات و ناتوانی غرب در مهار کرونا در داخل کشور را باید در فروپاشی ذهنی غرب باوران داخلی دانست که طی سال‌های اخیر تلاش کرده بودند با ساختن مدینه فاضله‌ای از غرب در اذهان خود و برخی کوتوله‌های فکری در داخل، توجیهی برای اپوزیسیون سازی در مقابل نظام اسلامی پیدا کنند. آنها که طی سال‌های اخیر سعی کرده بودند با تحقیر ایران و ایرانی و به ویژه نیروهای انقلابی، از امریکا و کشورهای غربی تابو بسازند و از این طریق زمینه فرار خود و خود باختگانی را که فریفته زرق و برق غرب شده بودند فراهم کنند، اکنون که دیگر جنایات سردمداران کاخ سفید علیه مردم امریکا وفشارها و تحریم‌های آنان علیه دیگر ملل به اوج خود رسیده، می کوشند تا با مشابه سازی آشوب‌های امریکا و حوادث تلخ آبان ماه ۹۸ در ایران ، ترامپ و همکارانش را از جنایات اخیر در امریکا مبرا و افکار عمومی را از تمرکز بر اعتراضات امریکا منحرف کنند که آخرین نمونه این جریان سازی را باید در توئیت تاجزاده از عوامل فتنه ۷۸ و ۸۸ دید.

در شرایطی که مردم سراسر دنیا در اعتراض به ظلم و بی عدالتی امریکا و ترامپ با حضور در خیابان‌ها در حال همدردی با مردم امریکا هستند، این فعال سیاسی اصلاح طلب و از بازداشتی‌های فتنه ۸۸ تلاش می کند با فراگیر نشان دادن مسائل امریکا حتی در میان کشورهای اسلامی، نقطه کانونی اعتراضات را از سمت نظام امریکا منحرف کند. تاجزاده در توئیترش می‌نویسد: «کشتن و عذرخواهی نکردن ویژگی مشترک مستبدان است و مسلمان و سکولار و شرقی و غربی هم ندارد...»

فائزه هاشمی، هم در یک فایل صوتی که بی‌بی‌سی فارسی مدعی است که به دستش رسیده به «برخورد دوگانه» مقام‌ها و رسانه‌های ایران در ماجرای کشته شدن جورج فلوید و اعتراض‌های پس از آن در امریکا در مقایسه با جان‌باختگان اعتراضات آبان ماه پرداخته و گفته است: «کشته شدن یک سیاهپوست به دست پلیس امریکا و برخورد خشونت‌آمیز با اعتراضات در آنجا وحشتناک است و باید آن را محکوم کرد اما اینکه کسانی در ایران آن را محکوم کنند که خودشان اعمال‌شان بدتر از دولت امریکا است، باور کردنی نیست و خنده‌دار است. »

بسیاری از رسانه‌های وابسته به این جریان در داخل و سلبریتی‌های ایرانی در داخل و خارج از کشور که در سیاه نمایی علیه نظام همواره در خط مقدم بودند ، نسبت به حوادث اخیر در امریکا یا سکوت اختیار کرده ویا اینکه همه توان خود را به کم اهمیت جلوه دادن اعتراضات مردمی امریکا ویا زیر سؤال بردن عملکرد صداوسیما در پرداختن به موضوع و پرداختن به اغتشاشات آبان ۹۸ اختصاص داده‌اند .

همنوا با این عوامل داخلی ، روزنامه وال‌استریت ژورنال هم در شماره ۳۱مه(۱۱خرداد) در یادداشتی با نام بردن ازایران وترکیه وچین مدعی می‌شود که سران این کشورها عزم را جزم کرده‌اند تا از ناآرامی‌های به وجود آمده در امریکا در پی مرگ جرج فلوید از سیستم دولت حقوقی این کشور، مشروعیت‌زدایی کرده و اعتبار آن را در خارج از ایالات متحده زیر سؤال ببرند.»

در شرایطی که یک توفان تمام‌عیار در امریکا به راه افتاده ، بیش از ۴۲ میلیون نفر بیکار شده‌اند، اقتصاد این کشور دچار رکود شده، نابرابری ثروت و قطبی‌شدن جامعه به نهایت خود رسیده و امریکا به سرعت در حال نزدیک شدن به اعتراضات گسترده و ناآرامی و آشوب طی ماه‌های تابستان پیش رو است. دلسوزی این سمپات‌های داخلی برای ترامپ نه تنها تعجب برانگیز ، بلکه تنفس مصنوعی به بیمار در حال احتضاری است که بخش اعظمی از مردم خود این کشور نیز به دلیل سیاست‌های نژاد پرستانه از او به تنگ آمده‌اند واین در حالی است که علاوه بر مسئولان اروپایی و نهادهای بین المللی و رقبای سیاسی ترامپ در داخل امریکا ، حتی برخی عوامل افراطی کاخ سفید نظیر وزیر دفاع این کشور سیاست‌های کاخ سفید را در مواجهه با این پدیده بر نمی‌تابند.

در یک برآورد کلی محورهای اصلی خط تبلیغاتی این جریان در داخل را در چند موضوع می‌توان فهرست کرد:

الف- تحریف افکار عمومی داخل از چهره واقعی اعتراضات امریکا با طرح موضوع آشوب‌های آبان ۹۸.

ب- هم‌صدایی با دشمن از طریق ایجاد شکاف داخلی با طرح مباحث انحرافی در راستای اهداف سیاسی خود.

ج- بی اعتبارسازی عملکرد رسانه‌های داخلی در به تصویر کشیدن افول امریکا.

د-مقایسه غیرعادلانه عملکرد پلیس ایران با پلیس امریکا در مواجهه با اعتراضات مردم با هدف زیرسؤال بردن عملکرد نیروهای نظامی ایران در مواجهه با ناآرامی‌ها .

ه - نادیده گرفتن مشکلات و چالش‌های امروز مردم امریکا در نتیجه ناکارآمدی حاکمیت این کشور در مواجهه با بحران‌های مختلف مانند مدیریت ویروس کرونا، عدالت اجتماعی، تبعیض نژادی و...

و - مدل سازی خائنانه حوادث امریکا برای محیط داخلی با بازخوانی حوادث گذشته در ایران که محصول ناکارآمدی عملکردی جریان سیاسی مورد حمایت خودشان بود.

اما نکته‌ای که در بررسی این پدیده داخلی امریکا و فشار برناراضیان داخلی با سیاست کلان این کشور درفشار بر مردم بسیاری از کشورهای دنیا مثل افغانستان، عراق، سوریه و قبل از آن در ویتنام وهمچنین تحریم‌های فلج کننده علیه مردم ایران ، قابل مقایسه است گرفتن توان نفس کشیدن از آنان وسلب حق حیات ، با هدف تسلیم در برابر کاخ سفید است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت ۱۴ خردادماه، سالروز ارتحال حضرت امام (ره)، حوادث جاری این روزهای امریکا را بروز واقعیات پنهان نگه‌داشته‌شده امریکا دانستند و گفتند: زانو زدن پلیس روی گردن یک سیاهپوست و فشار دادن آن تا جان باختن شخص و تماشای این صحنه از طرف چند پلیس دیگر، چیز جدیدی نیست بلکه همان اخلاق و طبیعت حکومت امریکا است که قبلاً نیز با بسیاری از کشورهای دنیا مثل افغانستان، عراق، سوریه و قبل از آن در ویتنام، همین کارها را کرده‌اند. ایشان شعار امروز مردم امریکا یعنی «نمی‌توانیم نفس بکشیم» را حرف دل همه ملت‌های تحت ظلم دانستند و افزودند: البته امریکایی‌ها با رفتارهای‌شان در دنیا رسوا شده‌اند؛ آن از مدیریت ضعیف‌شان در کرونا که به علت فساد موجود در هیئت حاکمه امریکا، تلفات و مبتلایان به بیماری در امریکا چندین برابر کشورهای دیگر است و این هم از برخورد وقیحانه‌شان با مردم که آشکارا جنایت می کنند، عذرخواهی هم نمی کنند و بعد هم می گویند حقوق بشر! انگار آن مرد سیاهی که کشته شد، بشر نبود و حقوقی نداشت.

ایشان با اشاره به احساس خجالت و سرافکندگی بجای ملت امریکا از حکومت‌های خود و حکومت فعلی‌شان افزودند: با این وضع پیش‌آمده، برخی از ایرانی‌های داخل یا خارج از کشور هم که شغل‌شان حمایت از امریکا و بزک آن بود، دیگر نمی‌توانند سر بلند کنند.

گزارش

بخشنامه لزوم اجرای عدالت در مورد مرتکبان جرائم سیاسی ابلاغ شد

حمایت قانون از منتقدان سیاسی

خبرگزاری ایرنا

دادگاه رسیدگی به جرائم سیاسی با حضور هیئت منصفه خواهد بود. این بخشی از قانونی است که توسط مجلس دهم تصویب و روز گذشته توسط آیت‌الله رئیسی، ریاست قوه قضائیه به مراجع قضایی سراسر کشور ابلاغ شد. این قانون از مصوبات اردیبهشت ۹۵ مجلس است که البته دولت و برخی حقوق‌دانان نسبت به آن ایراداتی داشتند و آن را جامع نمی‌دانستند. بر اساس ماده ۱۲ این قانون، «توهین» به رؤسای قوای سه‌گانه، جرائم انتخاباتی و «نشر اکاذیب» از جمله موارد جرائم سیاسی شناخته شده‌اند. متهمان سیاسی همچون سایر متهمان حقوقی دارند که باید در هنگام رسیدگی به اتهام آنان این حقوق مورد توجه قرار گیرد. یکی از این موارد تشخیص سیاسی یا امنیتی بودن یک اتهام است که از این پس می‌توان گفت فضای روشن‌تری را نسبت به مصادیق جرم و اتهام سیاسی قائل بوده و فضای شفاف‌تری را خواهیم دید.

پیش از این و در پاییز ۹۸، قاضی سراج، نماینده رئیس قوه قضائیه در تعیین اعضای هیئت منصفه سراسر کشور گفته بود: «رئیس قوه قضائیه بر اعمال اصل ۱۶۸ قانون اساسی که شامل مطبوعات و جرایم سیاسی می‌شود تأکید دارد، بنابراین رسیدگی به جرایم سیاسی در هیئت منصفه امسال عملیاتی می‌شود و باید آمادگی بیشتری در این زمینه وجود داشته باشد.» حالا با بخشنامه رئیس قوه قضائیه، این موضوع عملیاتی شده است و می‌توان گفت حمایت بیشتری از متهمان سیاسی توسط قانون به عمل می‌آید.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، بخشنامه رئیس قوه قضائیه در خصوص «لزوم اجرای عدالت و رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرائم سیاسی» به مراجع قضایی سراسر کشور به شرح زیر ابلاغ شد:

نظر به لزوم اجرای عدالت و رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرائم موضوع ماده ۲ قانون جرم سیاسی، مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی و اجتناب از تلقی جرائم موضوع این قانون به عنوان جرم غیرسیاسی و با امعان نظر به ضرورت ایجاد رویه واحد در رسیدگی به جرم سیاسی، لازم است مراجع قضایی به شرح زیر اقدام نمایند:

۱- با توجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی، دادگاه رسیدگی به جرائمی که مطابق قانون مذکور، سیاسی محسوب می‌شود، با حضور هیئت منصفه و به صورت علنی و برابر مقررات مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مطبوعات برگزار گردد.

۲- تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است، دادسرا یا دادگاه مربوط در تشخیص سیاسی بودن اتهام، باید ماهیت جرم، انگیزه و قصد متهم از ارتکاب جرم را مد نظر قرار دهد. در مورد پرونده‌های مطروحه در دادگاه کیفری ۲ و انقلاب، هر گاه دادگاه رسیدگی کننده، با بررسی کیفرخواست و مستندات و مطالعه پرونده، جرم ارتکابی را از جرائم مندرج در ماده دو قانون جرم سیاسی تشخیص دهد، پرونده را با قرار عدم صلاحیت به دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم و اگر مرتکب از مقامات مذکور در ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری باشد به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال می‌نماید. در مرحله تجدید نظر، چنانچه دادگاه جرم ارتکابی از ناحیه متهم را سیاسی تشخیص دهد، لکن دادگاه بدوی آن را غیرسیاسی تشخیص داده باشد، جهت رعایت تشریفات قانونی با نقض حکم صادره پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نماید.

۳- در جریان تحقیقات و رسیدگی در دادسرا در هر مرحله از آن و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه، متهم می‌تواند، به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند. مرجع رسیدگی کننده با صدور قرار در این مورد اظهار نظر نمی‌نماید. اعتراض به قرار صادره تابع مقررات آیین دادرسی می‌باشد. در سایر موارد چنانچه متهم به لحاظ سیاسی دانستن اتهام خویش ضمن ارائه دلایل مبنی بر انگیزه و قصد خود به صلاحیت دادگاه ایراد داشته باشد، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری عمل خواهد شد.

۴- هیئت منصفه که براساس ماده ۳۶ قانون مطبوعات تشکیل می‌شود، پس از اعلام ختم رسیدگی توسط دادگاه مطابق قانون مطبوعات وارد شورشده و نسبت به مجرمیت یا بی گناهی متهم اعلام نظر می کند. ترتیب اظهارنظر هیئت منصفه و نحوه صدور رأی دادگاه، تابع ماده ۴۳ قانون مطبوعات است.

۵- دادسراها و دادگاه‌ها موظفند در اتهامات و جرائم سیاسی حقوق متهم مندرج در ماده ۶ قانون جرم سیاسی را در کلیه مراحل دادرسی و اجرای حکم را رعایت نمایند.

خبر

جامعه مدرسین به مجلس: زخم‌های چرکین فساد را با دستانی پاک جراحی کنید

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت آغاز به کار مجلس یازدهم در نامه‌ای به رئیس مجلس ۱۳ اولویت مهم کشور را به نمایندگان متذکر شد. در نامه جامعه مدرسین خطاب به قالیباف رئیس مجلس اظهار امیدواری شده است اکنون که شما و دیگر منتخبان ملت در جایگاه مهم نمایندگی ملت در مجلس شورای اسلامی مجال و توفیق خدمت یافته‌اید، ایمان، شجاعت ایستادگی و تأکید بر مبانی نظام و کار و تلاش مؤمنانه را متبلور کنید و در حوزه تقنین و نظارت، مشفقانه و مؤثر و به دور از انگیزه‌های شخصی، کار و مدیریت جهادی را به منصه ظهور برسانید.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی جایگاه نمایندگی را امانتی شرعی و دارای تکلیف حقوقی و اخلاقی سنگینی دانسته و در همین ارتباط نکاتی را خطاب به نمایندگان یادآوری کرده است:

۱- رهنمودهای مقام معظم رهبری به مجلس شورای اسلامی چراغ راه شماست و التزام عملی به این توصیه‌ها شما را در خدمت به مردم و نظام اسلامی موفق و سربلند می کند.

۲- توصیه اکید داریم به دور از دسته‌بندی‌های سیاسی فقط به آرمان‌های فطری و انسانی انقلاب اسلامی توجه داشته باشید و در همه تصمیمات و بزنگاه‌ها بر اصول انقلاب ایستادگی و پافشاری کنید.

۳- لازم است در امر قانون‌نویسی، شرع مقدس و حدود الهی رعایت شود. رعایت ضوابط و حدود شرعی فلسفه ارسال پیامبران و جان‌مایه آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

۴- در مسئله مبارزه با مفاسد اقتصادی قدم‌هایی استوار بردارید و زخم‌های چرکین فساد را با دستانی پاک جراحی کنید. علاج دردهای بزرگ اقتصادی، معیشتی و مشکل گرانی در کارشناسی و عمل مخلصانه است.

۵- مجلس باید استقلال خود را حفظ کند و در تصمیم‌گیری و عمل به تکلیف شرعی خود با مدنظر قرار دادن اهداف کلان نظام اسلامی، تصویب قوانینی جامع، کامل و گره‌گشا برای خدمت به اسلام و ارزش‌های انقلابی ملت را پیگیری کند.

۶- با تقویت نظارت بر عملکرد نهادهای متولی فرهنگ، برای رفع ولنگاری فرهنگی و بی اهتمامی به امر فرهنگ گام بردارید و برای ترویج معارف دینی و فرهنگ متعالی اسلامی، صریح و انقلابی تصمیم بگیرید. در این میان آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مربوط به حجاب، فضای مجازی و مانند اینها نیازمند تدوین قوانینی پایدار و راهگشاست.

۷- موانع گسترش عدالت را رفع کنید و با فراهم کردن زیرساخت‌های قانونی و ریل گذاری جهت تحقق عدالت اجتماعی و ثبات اقتصادی، معیشت مردم و اقتصاد خانواده‌ها را در اولویت قرار دهید.

۸- زیرساخت‌های لازم برای تأمین سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تربیت نسل جوان، افزایش باروری و پیشگیری از کاهش جمعیت باید با جدیت فراهم شود. لازم است در تقنین، مشکلات پیش‌روی اجرای سیاست‌های جمعیتی کشور رفع شود و در حوزه نظارت، عملکرد مسئولانی که زمینه‌های لازم را فراهم نمی کنند، نقد شود.

۹- در تنظیم قوانین با نیت الهی و با درایت کارشناسانه جهت اصلاح نظام اداری و حذف قوانین معیوب اقدام کنید. با تنقیح قوانین می‌توانید برخی تبصره‌های قانونی و الزامات پرپیچ‌وخمی که قانون را در مرحله اجرا دچار پیچیدگی و ابهام می کند را رفع کنید. برخی کش‌وقوس‌ها و کاغذبازی‌های فرسایشی و درنتیجه فشل شدن کارها و حتی به بن‌بست رسیدن برخی طرح‌ها در اجرا، نتیجه قوانین معیوب و ضعیف است.

۱۰- تحقق بانکداری اسلامی و توجه به رهنمودهای مراجع عظام تقلید در اصلاح نظام پولی و مالی و اصلاح سیستم بانکداری را به‌عنوان یک ضرورت دنبال کنید.

۱۱- با توکل به خدا و اتخاذ تدابیر شجاعانه، استحکام داخلی و قدرت درونی نظام اسلامی را تقویت کنید و نگذارید بگومگوهای سیاسی، وحدت ملی را خدشه‌دار و تخاصم و درگیری ایجاد کند. به همین منظور لازم است نظارت بر عملکرد نمایندگان و تقویت تقوای جمعی در مجلس به جد موردتوجه قرار گیرد.

۱۲- با التزام به مبانی شرعی و اخلاقی در نطق‌ها و اظهارنظرها، آرامش سیاسی و اجتماعی را تأمین کنید و در انجام وظایف نمایندگی با شناخت تکلیف شرعی در مناسبات بین قوه‌ای، حق خدا، انقلاب و مردم را ادا کنید.

۱۳- جایگاه جهانی و اقتدار ملی ما حاصل خون شهدا و مجاهدت مردم مؤمن و مقاوم ماست. حفظ این جایگاه و عزت ملت ما در مواجهه‌های جهانی و دیپلماسی خارجی از اهم موضوعات است. مجلس به‌عنوان یکی از نهادهای تأمین‌کننده عزت ملی باید در دشمن‌شناسی و ایستادگی در مقابل دشمن و توطئه‌های خارجی هوشیار و آگاه باشد.

در پایان این نامه آمده است: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم آمادگی خود را جهت کمک به مجلس شورای اسلامی و ایجاد پل ارتباطی بین حوزه‌های علمیه و قوه مقننه اعلام و بر ضرورت ارتقای همکاری‌ها تأکید می کند.

ویژه

سیاسی‌کاری علیه نیروهای مسلح

تیتر یک روزنامه اصلاح‌طلب آرمان با عنوان «نظامی‌ها میدان سیاست را ترک کنند» روی عکسی از مصطفی تاج‌زاده، زندانی امنیتی فتنه ۸۸ و به نقل از او خورده است. این تیتر مربوط به مصاحبه‌ای تفصیلی با تاج‌زاده در مورد کیفیت حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ است که در پایان آن و طی یک جمله کوتاه که قید شرط هم دارد و با «اگر» شروع شده، تاج‌زاده در قالب یک برنامه پیشنهادی برای انتخابات سال آینده می گوید: «می‌خواهیم اگر نظامیان وارد سیاست شده‌اند بگوییم بهتر است آنها به پادگان‌ها برگردند... »

هیچ توضیحی هم در مورد این جمله داده نمی‌شود؛ آیا نظامیان در دولت بوده‌اند؟ آیا نظامیان مجلس را در دست دارند؟ آیا نظامیان حزب سیاسی تأسیس کرده و وارد فضای انتخابات شده‌اند؟ هیچ‌کدام این سؤالات پاسخی در این گفت‌وگو ندارد؛ برای تاج‌زاده این موضوع یک موضوع فرعی در مصاحبه طولانی‌اش بوده، اما روزنامه آرمان همین جمله فرعی را با حذف اما و اگری که داشته، تبدیل به گزاره‌ای قطعی کرده و تیتر یک روزنامه شده است. رسانه‌های اصلاح‌طلب بارها به تضعیف نیروی نظامی کشور پرداخته‌اند و این موضوع جدید نیست. در این سال‌ها هم که ناکارآمدی دولت و مجلس آنها عیان شده، ادعای‌شان در مورد دخالت دیگران در امور سیاسی را پررنگ‌تر فریاد می‌زنند تا بهانه‌ای برای ضعف دولت و مجلس بیابند. تاج‌زاده همچنین در این مصاحبه شعار سال ۹۲ دولت روحانی را برای سال ۱۴۰۰ تکرار کرده و گفته که «ما می‌خواهیم تحریم‌ها را برداریم... » سال ۹۲ و ۹۶ هم گرچه اصلاح‌طلبان این شعار را دادند، اما عملاً نتوانستند چنین اقدامی انجام دهند و تحریم‌ها بیشتر هم شد.

دعوت اصلاح‌طلبان به واقع بینی از سوی روزنامه اصلاح‌طلب

روزنامه سازندگی، ارگان حزب کارگزاران سازندگی در یادداشت اول صفحه سیاسی خود باز هم به نقد رفتار اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس یازدهم در اسفند ۹۸ پرداخته است. در این یادداشت با عنوان «واقع بینی» و به قلم سیدافضل موسوی، مدیرمسئول این روزنامه آمده که «آنچه در اسفند ۹۸ و ماه‌های پیش از آن در جریان اصلاح‌طلب درباره حضور و نحوه حضور در انتخابات مجلس یازدهم رخ داد، نشان از فاصله بخش زیادی از این جریان سیاسی با واقعیت داشت. گروهی که تصور می کردند با عدم حضور معجزه می‌شود و آنها تأثیرگذاری یا شرایط متفاوتی را در مقابل خود می‌بینند. نتیجه این رفتار و این فقدان واقع بینی سیاسی در گروهی که بسیار هم مدعی سیاست‌ورزی هستند، ترکیب مجلس یازدهم است که از هم اکنون از بهار آن مشخص است که چه شرایطی را می‌توانند برای حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ فراهم کنند. » او سپس به بحث‌هایی که برخی اصلاح‌طلبان در مورد بازسازی اصلاحات می گویند اشاره کرده و تأکید می کند که «تصور من بر این است که واقع بینی بر هر گونه بازسازی در درون اصلاحات ارجح است. »

موسوی سپس تأکید می کند: «سلسله رفتارهای اشتباه از درون جریان اصلاح‌طلبی، اشتباهات برخی طیف‌ها و مهم‌تر از آن برخی چهره‌ها که منجر به شمایل کلی تحریم انتخابات اسفند ۹۸ شد، نه تنها هیچ دستاوردی برای اصلاح‌طلبان نداشت، بلکه آنان را در شرایط سختی قرار داده است... تجربه اسفند ۹۸ باید همواره پیش چشم این طیف باشد که ژست سیاسی، سیاست‌ورزی تلقی نمی‌شود. »

در بخش دیگری از این یادداشت آمده که «عدم شرکت در انتخابات، چندپارگی در تصمیم‌گیری در این شرایط و بیان اینکه پاسخ رد صلاحیت باید عدم مشارکت سیاسی در ارائه لیست و معرفی کاندیدا باشد، رویکردی بود که به نام اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ ثبت شد. رویکردی که نه تنها هیچ فایده‌ای ندارد، بلکه خروجی آن تقلیل جدی تعداد اصلاح‌طلبان در مجلس یازدهم شد. »

و جمله پایانی یادداشت که «برخی طیف‌ها در جریان اصلاحات باید واقع بینی سیاسی را به عنوان یک اصل اساسی برای خود تعریف کنند. »

یادداشت وارده

مرتضی سیمیاری

بازخوانی دوباره یک پرونده محرمانه دیپلماتیک

شکست عملیات یاکوزا در تهران

«دو روز این دنیا ارزش سازش ندارد!»، این جمله نه از زبان یکی از مخالفان مذاکره با غرب در صف رقبای دولت، که از زبان یکی از نزدیک ترین ایدئولوگ‌های حسن روحانی (حسام‌الدین آشنا) در وصف رابطه با امریکا بیان شده است! بیانی چنین شیوا از زبان مدافعان مذاکره این سؤال را پدید می‌آورد که در عرض چند ماه چه رویدادهایی پیش آمده که هواداران سینه‌چاک چینش میز مذاکره در هر جا و هر نقطه به یک باره چرخش کرده و با بیانی عارفانه مذاکره با امریکا را بی ارزش می‌دانند؟ پاسخ به این سؤال ساده است و در یک جمله کوتاه باید گفت: «تهران دیگر به میانجی گران مذاکره با امریکا، اعتقادی ندارد».

آگاهان سیاست داخلی می گویند، دولت روحانی دیگر دولت هشت سال قبل نیست و با تجربه تر شده، اما این دیدرئالیستی آنها را افسرده نیز کرده است، سرخوردگی دولت تنها به دستاوردهای میوه کال برجام و خروجی بی ارزش آن در خطوط تراکنشی اینستکس و بی وفایی اروپایی‌ها منتهی نمی‌شود! شیخ دیپلمات حتی شرط بندی روی اسب دو متحد شرقی ایالات متحده یعنی کره جنوبی و ژاپن را نیز باخته است. کره جنوبی که سال‌ها بازار ایران را قبضه کرده، با اشاره تیم ضدایرانی کاخ سفید کل تجارت خود با ایران را متوقف و طلب نفتی ایران را با ۵۰۰ هزار دلار داروی بی ارزش معاوضه کرده و خبرهای رسیده حکایت از آن دارد که طلب ۷ و به روایت دیگر ۲۰ میلیون دلاری ایران از ژاپن به این زودی‌ها نقد نمی‌شود! اگر این اطلاعات را چون پازل کنار هم قرار دهیم، به سادگی می توان دریافت که چرا دولت متولد شده از مذاکره در سال آخر حتی حاضر نیست لابی‌های دیپلماتیکش را برای آزاد سازی حواله‌های نفتی به کار ببرد.

آنچه مشاور دولت از تراژدی «بی ارزشی» مذاکره با غرب می گوید، ماجرای بسیار جالبی است که می توان آن را در دانشکده‌های وابسته به وزارت امور خارجه برای محصلانش درس داد. دولت حاکم، نزدیک به دو سال پس از خروج ترامپ از برجام به دنبال میانجی برای مذاکره با امریکا گشته و حالا بی رمق‌تر از همیشه پرونده آن را بسته است. حسن روحانی با تجربه به دست آمده از برجام و قبل آن مذاکرات کاخ سعد آباد خیلی خوب می‌دانست که روی اروپایی‌ها به‌عنوان کارت آخر نمی‌تواند حساب کند. از همین روی اواخر پاییز سال گذشته وقتی رئیس جمهور پایش را به فرودگاه توکیو گذاشت، خبرگزاری نزدیک به دولت تیتر زد: «شکستن بن بست‌ها با سفر به ژاپن»! مشاوران دولت گمان می کردند که پس از طی نمودن راهی طولانی روی سنگلاخ‌ها همچنان فرصت مذاکره وجود دارد، آنها گمان می کردند که در انتهای هر جنگی یک میانجی پیدا می‌شود که دو طرف ماجرا را بر سر میز گفت و گو می آورد؛ در وزارت خارجه دیپلمات‌های استخوان خرد کرده در بحث‌های خودمانی‌تر می گفتند که اگر میان دو همسایه دعوا شود، یک همسایه عاقل هم پیدا می‌شود که قبل از آنکه کار از جدل لفظی به درگیری خیابانی برسد با میانجی‌گری مشکل را حل می کند، برای دولتی‌ها ژاپن مصداق همسایه‌ای عاقل بود که در گیری‌ها را حل و فصل خواهد کرد!

از همین رو وقتی آبه شینزو، نخست وزیر ژاپن پایش به تهران رسید، همراهان دولت با سلام و صلوات برایش فرش قرمز پهن کردند، اما فردای آن روز و بیرون از کاخ رؤیایی دولت و در محفلی ساده‌تر در حوالی میدان حر نه آن‌چنان استقبال گرمی از ژاپنی‌ها شد و نه مأموریت نخست وزیر با هدایت امریکایی‌ها برای کشاندن ایران به میز مذاکره به نتیجه رسید.

رهبر انقلاب در دیدار هیئت ژاپنی و بدون لحاظ کردن تشریفات و تکلفات دیپلماتیک به آبه می گویند: «به امریکایی‌ها پیامی نمی‌دهیم و اعتمادی هم به آنها نداریم». شش درخواست هیئت ژاپنی از رهبر انقلاب با پاسخ‌های محکم انقلابی و منفی روبه‌رو شده و عملیات فریب امریکایی‌ها برای تحمیل مذاکره با شکست روبه‌رو می‌شود. هزینه ماجرا در شکست مأموریت آبه به کاخ سفید آن‌قدر بالا می‌رود که نفتکش‌های ژاپنی را در خلیج فارس مورد حمله قرار دادند تا با موج سازی جدید فضاحت نقشه بر باد رفته را مخفی کنند!

اما فردای بازگشت نخست وزیر ژاپن به کشورش عده‌ای از تحلیلگران داخلی می گفتند که ایران «فرصت طلایی» مذاکره را از دست داده است، آنها در یادداشت‌های مکرر به این نکته اشاره می کردند که چه فرصتی بهتر از این و چه موقعیتی مناسب‌تر از امروز که با واسطه ژاپن و با حداقل هزینه با امریکایی‌ها معامله کنیم و ۴۰ سال خصومت را با کارت آخر به سرانجام برسانیم.

اما آنهایی که سیاست خارجه را می‌شناختند، خوب می‌دانستند که مذاکره با عهد شکنی چون ترامپ عملی نیست و استراتژی «نه جنگ و نه مذاکره» بهترین راهبرد برای شکستن هیمنه وحشی‌ترین دولت حاکم بر ایالات متحده است و از آن مهم‌تر تکیه بر دولت کاسبی چون ژاپن به‌عنوان میانجی پیمودن راهی عبث است که حالا نتیجه‌اش خوب مشخص شده است! ژاپنی‌هایی که حتی حاضر نیستند و یا در حالت خوش‌بینانه توان عملیاتی در شکست تحریم‌ها علیه ایران را ندارند، پس چگونه می توانند بار میانجی‌گری را میان تهران و واشنگتن را بر دوش بکشند! ژاپنی‌ها چون باندهای مافیایی سعی کردند با انتقال چند پیغام بر سر سفره نفتی ایران بنشینند، اما تدبیر رهبری درها را هم بر آنها و هم بر رئیس‌شان بست. حالا صحنه سیاست قابل مشاهده‌تر از گذشته است، دولتی که قرار بود با تکیه بر مذاکره و پیوست کردن میانجی‌های غربی و شرقی مشکل گشایی کند، به نتایج قابل توجه و درخشانی دست یافته است، اگر چه هزینه این درس-تجربه‌ها گران بود اما خروجی آن برای همه دولت‌های پس از آن قابل ملاحظه در یک جمله است: «رابطه ایران با دشمنانش نیاز به میانجی‌گری ندارد»، علت آن نیز روشن است، وقتی در سیاست خارجه اسلحه‌ای پشت سرت داری، می توانی با هر زبانی پای میز مذاکره بنشینی و میوه‌های آن را جمع کنی، بازی پوکر برای کسانی است که دست‌شان خالی است. زیبا ترین تعبیر در دولت‌های وابسته به مذاکره از زبان سید حسن نصرالله است که می گوید: «اگر کسی به امریکا با متحدان بین‌المللی‌اش به‌عنوان میانجی نگاه کند، در توهم اندر توهم و دلبسته به سراب است».

خبر

مدیرکل ضدجاسوسی وزارت اطلاعات:

مایکل وایت در واقع به دلیل تشدید بیماری از کشور اخراج شد

مدیرکل ضدجاسوسی وزارت اطلاعات با تشریح جزییات پرونده مایکل وایت نظامی امریکایی آزاد شده در ایران، گفت: وی به دلیل تشدید بیماری و دلایل انسانی و طی فرآیند قضایی از ایران اخراج شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت اطلاعات، مدیرکل ضدجاسوسی این وزارتخانه در مورد جزئیات پرونده امریکایی آزاد شده، اظهار داشت: «مایکل وایت» یکی از نظامیان امریکایی بود که دو سال پیش با پوشش توریست وارد کشور شد.

وی افزود: مایکل وایت قصد داشت برای تأمین فرصت جاسوسی با روش‌های فریبنده و ارتباط با اتباع ایرانی، پوشش حضور خود در کشور را به دست آورد که توسط ضد جاسوسی وزارت اطلاعات شناسایی و دستگیر شد. این در حالی است که هم‌زمان با شکایت شاکی خصوصی نیز مواجه شد. نهایتاً پس از گذشت حدود دو سال از محکومیت، مشارالیه به دلیل تشدید بیماری و دلایل انسانی و طی فرآیند قضایی از کشور اخراج گردید. این مقام وزارت اطلاعات در خصوص پیام‌های پی در پی و سخنان تشکرآمیز ترامپ از ایران بابت آزادی وایت اظهار داشت: ترامپ به شدت محتاج جلب حمایت افکار عمومی پس از استیصال و درماندگی در قضیه مدیریت بیماری کرونا و همچنین مدیریت اعتراضات علیه تبعیض ونژاد پرستی است.